



تعقیب و مجازات صلح‌بانان سازمان ملل متحد در قبال ارتکاب جرم خشونت جنسی علیه زنان*



محمدعلی ولی‌پور^۱ - دکتر کارن روحانی^۲ - دکتر محمد رضوی‌راد^۳

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

در فرآیند عملیات حفظ صلح سازمان ملل و در حین گذراندن مأموریت صلح‌بانان در سرزمین‌های جنگی و اشغالی؛ ممکن است جرائمی علیه زنان ارتکاب یابد که مستلزم پیگیری و تعقیب باشد. از طرفی باید توجه داشت که زنان و کودکان با توجه به شرایط ضعیف جسمانی، زودتر در معرض بزه‌دیدگی از جمله بزه‌دیدگی جنسی قرار می‌گیرند. با توجه به گزارش‌های زیادی که از طریق قربانیان و بزه‌دیدگان جنسی زن به سازمان ملل متحد گزارش شده است، به نظر می‌رسد نیروهای صلح‌بان عملیات حفظ صلح سازمان ملل در شرایط بحرانی و جنگ‌زده، خطری جدید و جدی برای زنان و حتی کودکان دولت میزبان محسوب می‌شوند. لذا در این مقاله و از رهگذر روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به این پرسش کلیدی هستیم که تعقیب و مجازات صلح‌بانان سازمان ملل در خصوص ارتکاب جرائم خشونت جنسی علیه زنان در اثنای عملیات حفظ صلح با چه چالش‌ها و موانعی مواجه است؟ یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که با توجه به ماده ۷ اساسنامه رم امکان اعمال صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی نسبت به جرم خشونت جنسی علیه زنان توسط صلح‌بانان سازمان ملل با چالش‌ها و موانع اساسی روبرو است. در واقع وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های مرتبط، کنکاش، یافتن و تحلیل دقیق ظرفیت‌های فعلی نظام حقوقی بین‌المللی برای تعقیب و محاکمه مجرمین مذکور می‌باشد.

کلیدواژگان: تعقیب و مجازات، خشونت جنسی، دادگاه کیفری بین‌المللی، صلح‌بانان سازمان ملل متحد، عملیات حفظ صلح.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری محمدعلی ولی‌پور با راهنمایی دکتر کارن روحانی است.

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

*** نویسنده مسئول، استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

ایران / ایمیل: karan.rohani@iaua.ac.ir

**** استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران.

مقدمه

امروزه بیش از نیم میلیارد نفر در کشورهای توسعه‌یافته اروپای غربی، آمریکای شمالی، استرالیا، زلاندنو و ژاپن زندگی می‌کنند و این مردمان از امنیت و رفاه بنیادین (با نسبت‌های متفاوت) برخوردارند چراکه چنین امری از سوی دولت‌هایشان تضمین و یا مستقیم فراهم گردیده است. اما چندین میلیارد نفر در کشورهای در حال توسعه آسیا، آفریقا و اتحاد شوروی سابق از امنیت و رفاه بنیادین مشابه با جوامع توسعه‌یافته برخوردار نیستند. حفاظت، مراقبت، حمایت قانونی و سایر حقوق حداقلی شهروندی برای همه مردم تضمین نگردیده است. بسیاری از مردم این جوامع همواره برای به دست آوردن غذای مناسب، آب پاکیزه، محل سکونت متناسب و سایر استلزامات ضروری برای حیات اجتماعی و اقتصادی با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند» (جکسون، سورنسون، ۱۴۰۱)؛ (Jackson, Sorenson, 2022) یکی از این چالش‌ها مخاصمات مسلحانه داخلی و در پی آن ورود صلح‌بانان سازمان ملل متحد به این مخاصمات می‌باشد.

اولین ادعاهای رسمی در مورد دخالت نیروهای حافظ صلح در آزار جنسی در حین مأموریت سازمان ملل در کامبوج در سال ۱۹۹۲ مطرح شد، پس از آن گزارش‌هایی از بوسنی و هرزگوین، هائیتی، جمهوری دموکراتیک کنگو و تیمور شرقی مطرح شدند (Simic, 2010: 191). با افزایش مقیاس عملیات‌های حفظ صلح، این اتهامات نیز بیشتر شدند. «برای مثال، در سال ۲۰۰۶، ۳۵۷ مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی شامل حافظان صلح سازمان ملل وجود داشت و ۲۵۲ مورد به اندازه‌ای قابل توجه بود که منجر به شروع تحقیقات لازم شد. حجم فزاینده پرونده‌ها منجر به درخواست‌ها جهت از سر گرفتن تحقیقات و تعقیب متهمان و کمک به قربانیان این جرائم شد (Fasulo, 2009).

در سال ۲۰۱۵ میلادی، دبیرکل سازمان ملل در خصوص سوءاستفاده‌های جنسی انجام‌شده از سوی حافظان صلح ملل متحد عنوان نمود که نمی‌توان تا زمان از بین بردن تمامی این رویه‌ها آرام بنشینیم و باید از پاسخگو بودن کامل مرتکبان چنین جنایاتی اطمینان حاصل کنیم. یک دهه قبل‌تر از آن نیز دبیرکل اسبق سازمان ملل متحد برای اولین بار تعهد داده بود تا ننگ سوءاستفاده‌های جنسی در سازمان ملل را از بین ببرد و اعلام کرده بود که ارتکاب سوءاستفاده‌های جنسی را به‌هیچ‌عنوان تحمل نخواهد نمود. با این حال، همچنان رسوایی‌های مربوط به سوءاستفاده جنسی ادامه دارد. بنابراین در این مقاله با هدف بررسی ظرفیت‌های موجود در خصوص تعقیب و محاکمه صلح‌بانان مرتکب این جرائم و از رهگذر روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این امر می‌پردازیم که تعقیب و مجازات خشونت‌های جنسی ارتكابی از سوی صلح‌بانان سازمان ملل متحد با چه موانع و چالش‌هایی مواجه است؟

۱- پیشینه

در خصوص موضوع مذکور پژوهش‌هایی وجود دارند که تا حدودی به کم و کیف قضیه پرداخته‌اند؛ که شرح موضوع آن‌ها و نوآوری پژوهش حاضر نسبت به آن‌ها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

هما بیات (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم جرائم علیه بشریت در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی» به بررسی این موضوع پرداخته است که تا مدت‌ها تعریفی از مفهوم جنایات علیه بشریت وجود نداشت تا اینکه اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در ماده ۷ خود با برشمردن مصادیق این جرم، این خلأ را پر کرد. جرم علیه بشریت، رفتاری است که متضمن نقض شدید حقوق بشر بوده یا اینکه نهایتاً منتهی به آن می‌شود. این جرم معمولاً به شیوه سازمان‌یافته و نظام‌مند انجام می‌شود (بیات، ۱۳۹۷: ۶۱-۷۳)؛ (Bayat, 2019: 61-73).

تفاوت مقاله حاضر با پژوهش مذکور بررسی و تحلیل مصداقی خاص از این جرائم تحت عنوان جرائم خشن جنسی ارتكابی از سوی صلح بانان سازمان ملل متحد در اثنای عملیات صلح است. «نیکول هرناندز» (۲۰۲۰)، در مقاله «آزار جنسی در عملیات حفظ صلح سازمان ملل: مسأله نگاه کردن به زنان به عنوان یک «راه‌حل فوری» به بررسی افزایش ارتكاب جرائم نسبت به زنان توسط برخی از نیروهای پاسدار صلح پرداخته و با تحلیل شرایط به این نتیجه رسیده است که استفاده از زنان در عملیات حفظ صلح می‌تواند گامی مؤثر در جهت کاهش این جرائم باشد (Hernandez, 2020: 1-5).

برخلاف پیشینه مربوطه، در این پژوهش اساساً به جنبه‌های حقوقی این مسأله یعنی بررسی و تحلیل امکان تعقیب و مجازات صلح بانان مجرم سازمان ملل متحد در چارچوب قواعد و مقررات بین‌المللی پرداخته شده است.

«پترا کوکن» (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان «مسئولیت سازمان ملل متحد در عملیات حفظ صلح: تحولات اخیر در انتساب دوگانه» به واکاوی بحث انتساب اعمال خلاف مقررات به صلح بانان سازمان ملل متحد و تحلیل چگونگی معیارهای دوگانه در خصوص موضوع حاضر پرداخته است (Kocen, 2020: 27-52).

نوآوری مقاله حاضر نسبت به پیشینه مذکور بررسی موضوع تعقیب و مجازات صلح بانان سازمان ملل متحد در قبال ارتكاب جرم خشونت جنسی علیه زنان به طور ویژه و بررسی چگونگی امکان تعقیب و مجازات این افراد به طور خاص می‌باشد.

«سارا رستمی و زری فیروزکاه» (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «زنان و صلح جهانی با تأکید بر صلح بانان زن سازمان ملل متحد و جامعه زنان ایرانی» با تمرکز بر کشورهای سودان جنوبی، لیبی

1. Nicole Hernandez

2. Petra Kocen

و ساحل‌عاج بر این امر تأکید نمودند که حضور نیروهای حافظ صلح زن به دلیل استعدادها، ویژگی‌ها و مزایای عملی، به داشتن یک عملیات حفظ صلح مؤثرتر کمک کرده است و به این دلیل هم شاهد گسترش صلح‌بانان زن در عملیات حفظ صلح هستیم. همچنین در این پژوهش نقش جامعه زنان ایرانی در ایجاد صلح و امنیت نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است (رستمی، فیروزکاه، ۱۳۹۹: ۲۰۹-۲۴۲)؛ (Rostami, Firouzka, 2020: 209-242).

تمایز پژوهش حاضر با مقاله مذکور در پرداختن به موضوع تعقیب و مجازات صلح‌بانان سازمان ملل در خصوص جرائم ارتكابی علیه زنان از منظر نظام حقوقی بین‌المللی است.

۲- چهار چوب مفهومی

دادگاه کیفری بین‌المللی رویکرد حمایتی ویژه‌ای نسبت به صلح‌بانان سازمان ملل متحد اتخاذ کرده است. رویه‌ی دادگاه نشان داده است که تهاجم علیه صلح‌بانان کلاه آبی ملل متحد، در زمره شدیدترین جرائم بین‌المللی داخل در صلاحیت دادگاه هست که دادستان نسبت به تعقیب آن‌ها اولویت قائل بوده است؛ چراکه از منظر دادگاه تداعی چنین شرایطی می‌تواند بر کل جامعه هدف که محل مأموریت نیروهای حافظ صلح است، تسری یابد و صلح و امنیت که با حضور ایشان تأمین شده است را به خطر اندازد. در مقابل این حمایت باید به جرائم و جنایات آن‌ها نیز واکنش درخوری نشان داد، چراکه این جرائم می‌تواند منجر به ایجاد بدبینی به مأموریت‌های مذکور و در نهایت امر عقیم ماندن این عملیات گردد. یکی از این جرائم بحث جرائم خشونت‌بار جنسی علیه زنان است؛ که عمدتاً در قامت تجاوز جنسی به زنان و دختر بچه‌های کشور میزبان عملیات جلوه‌گری می‌نماید؛ البته در کلیت امر باید بیان داشت که «پیشگیری از خشونت‌های جنسی مستلزم صرف وقت و هزینه بسیار و همکاری نهادها و سازمان‌های گوناگون است» (بیگی و آشنا، ۱۳۹۸: ۱۱۵)؛ (Beigi & Ashena, 2019: 115) که در سطح بین‌المللی هم چنین الزاماتی ضرورت دارد.

مبانی نظری این پژوهش بر مبنای تحلیل و بررسی تناقض دو اصل حقوقی مصونیت مأموران و فرستادگان سازمان‌های بین‌المللی و ضرورت تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمین می‌باشد. این دو اصل به‌عنوان متغیرهای اساسی در خصوص چگونگی تعقیب و مجازات صلح‌بانان سازمان ملل متحد در قبال ارتكاب جرم خشونت جنسی علیه زنان مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از نظریه ترکیبی هر دو متغیر مورد مطالعه دقیق قرار می‌گیرند. در نهایت امر، چالش‌ها و ظرفیت‌های قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل در خصوص تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمین مذکور تبیین می‌گردد.

۳- تاریخچه موضوع

عدم تحقق مقررات مربوط به سیستم امنیت جمعی منشور ملل متحد و لزوم پاسخگویی به

تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی از ناحیه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا داخلی، مفهومی تحت عنوان «عملیات حفظ صلح» را پدید آورد. در پرتو این مفهوم، مأموریت‌هایی انجام شد که هدف از آن توقف موقت مخاصمات مسلحانه میان طرف‌های درگیر و فراهم آوردن فضایی برای گفتگو و مذاکره برای نیل به توافق صلح بود، مأموریت‌هایی با ترکیبی عمدتاً نظامی که در طیفی از فعالیت‌های منحصرأ نظامی تا فعالیت‌های غیرنظامی نوسان داشت. اعاده صلح در این مفهوم تنها بخشی از راه دشوار نیل به صلح بود و «ایجاد صلح» گام دیگری در این راه تلقی می‌شد. در چارچوب این مفهوم سعی بر آن بود که از طریق توسل به ابزارهای دیپلماتیک، اقناع طرفین درگیر به توقف مخاصمات حاصل شده و انعقاد پیمان صلح ممکن شود. اما «حفظ صلح» و «ایجاد صلح» نتوانستند مانع وقوع مخاصمات شوند و اینجا بود که مفهومی تحت عنوان «تحکیم صلح» سر برآورد. «مفهومی که حلقه نهایی زنجیره انتقال از جنگ به صلح شمرده شده و نشانگر توجه نظام ملل متحد به ریشه‌ها و علل واقعی مخاصمات و منبعث از رویکردهای نوین به صلح و امنیت یعنی فرهنگ صلح و امنیت انسانی است» (ابراهیم گل، ۱۳۸۷: ۱)؛ (Ibrahim Gol, 2009: 1).

عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد به‌عنوان مهم‌ترین و سودمندترین ابزار سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در دوره جنگ سرد دارای وظایف عمدتاً نظامی بوده است، «اما امروزه در بعضی از عملیات‌ها یکی از وظایف محوله به این نیروها، طیف مختلفی از وظایف و مأموریت‌های حقوق بشری است که در راستای انجام این مأموریت‌ها ساختارها، بخش‌ها و دوایر جدیدی در راستای حفظ صلح مربوطه ایجاد و فعالیت‌ها و اقدامات قابل توجهی توسط این نیروها در این زمینه انجام شده است» (احمدی، ۱۳۸۶: ۳۰۷)؛ (Ahmadi, 2008: 307). متأسفانه در راستای انجام این عملیات مصادیق بارزی از جرائم خشن جنسی علیه زنان و کودکان کشورهای میزبان این عملیات دیده می‌شود، که تحلیل این معضل کاری بسیار پیچیده می‌باشد؛ چراکه از یک سو مقررات حاضر توانایی مقابله با این مشکلات را ندارند و از سوی دیگر عدم واکنش به این موضوع، خود نقض بارز حقوق بشر در خصوص افراد قربانی بوده و حتی نتایج این عملیات را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۴- عملیات حفظ صلح، تعقیب و محاکمه صلح بانان سازمان ملل متحد

با بررسی و تحلیل نظریات دکترین حقوق بین‌الملل، اولین و شاید جامع‌ترین تعریفی که از عملیات حفظ صلح قابل‌ارائه باشد عبارت از آن است که: «منظور از عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، به مجموعه عملیات سازمان‌یافته نظامی و غیرنظامی سازمان ملل متحد اطلاق می‌شود که به منظور پیشگیری از مخاصمات، محدود کردن، کاهش و یا پایان بخشیدن به آن اعم از مخاصمات میان کشورها با یکدیگر یا مخاصمات غیر بین‌المللی و به‌طور کلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

¹. Peacekeeping Operations

انجام می‌گیرد. این عملیات را نیروهای نظامی یا غیرنظامی کشورهای داوطلب عضو سازمان و با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحت نظارت آن بر عهده می‌گیرند» (ضیائی‌بیگدلی، ۱۴۰۱: ۴۴۷-۴۴۸)؛ (Ziyaeibigdeli, 2021: 447-448). به‌طور دقیق‌تر از آنجایی که «سازمان ملل از خود ارتشی ندارد، به کمک‌های داوطلبانه نیروهای نظامی کشورهای عضو وابسته است و به‌طور معمول، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌ای مجوز عملیات حفظ صلح را صادر می‌نماید» (Kocen, 2020: 48).

تحقیقات اخیر در زمینه حفظ صلح مبین این واقعیت است که رویه‌ای متناقض و ناسازگار وجود دارد. در همین راستا حافظان صلح در موقعیت‌های متناقض مربوط به وابستگی، مدت‌زمان و مشارکت قرار می‌گیرند که از آن به‌عنوان «تجزیه و تحلیل معضل» یاد می‌شود. برای مثال، استقرار گسترده نیروها و انجام اقدامات قهری ممکن است جنگ یا نقض حقوق بشر را متوقف کند؛ اما ممکن است برای تداوم امنیت، وابستگی به سازمان ملل ایجاد کند. به همین ترتیب وظایفی مانند ایجاد نهادهای سیاسی انعطاف‌پذیر، اجرای اصلاحات در بخش امنیت و دستیابی به آشتی فراگیر میان طرفین درگیری پروژه‌های طولانی‌مدت هستند و هرچه مدت‌زمان حضور نیروهای سازمان ملل متحد در کشوری بیشتر باشد، خطر مخالفت با آن در بین مردم محلی بیشتر می‌شود. همچنین ممکن است به‌منظور توقف خصومت‌ها، سازمان ملل متحد ناچار گردد با افراد متهم به جنایات جنگی، سوءاستفاده از غیرنظامیان و یا فساد و کلاه‌برداری تعامل نماید، اما انجام این کار نیز ممکن است به معنای تأیید ضمنی اقدامات آن‌ها تلقی شود و در نتیجه تلاش‌ها برای تأمین عدالت و آشتی پس از جنگ را از مسیر صحیح خود خارج کند.

این معضلات را معمولاً می‌توان ناشی از تنش گسترده‌تر بین دو ضرورت فراروی سازمان ملل متحد یعنی رعایت هنجارهای مربوط به حق تعیین سرنوشت و عدم مداخله (که در ماده ۲ منشور قید شده است) و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دانست. عملیات حفظ صلح که ظرفیت بازیگران محلی را برای طراحی و اجرای فرآیندهای تحکیم و بازسازی صلح تقویت می‌کند، اگرچه دارای ماهیتی موقت است، اما به دلیل تضمین مشارکت گسترده محلی، قابل‌قبول‌تر و مناسب‌تر است.

در عین حال، به همان اندازه که سازمان ملل موظف به حفظ حق تعیین سرنوشت است، به همان اندازه وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد؛ بنابراین ملزم است در مواردی که تصور می‌شود این موارد در معرض خطر هستند اقدام کند. در واقع، «بسیاری ادعا می‌کنند که یک مأموریت حفظ صلح سازمان ملل متحد فقط به این دلیل است که بازیگران محلی نتوانسته‌اند اختلافات خود را بدون توسل به خشونت و به‌طور مستقل مدیریت کنند، این امر نشان می‌دهد برای ایجاد ثبات، تاب‌آوری و آشتی ممکن است نقض حق تعیین سرنوشت ناگزیر باشد» (Chesterman,

¹. Dilemma Analysis

(7: 2007). «دکترین کپستون» تصدیق می‌کند که «عملیات چندجانبه حفظ صلح سازمان ملل متحد ممکن است در کوتاه‌مدت به انجام وظایف مهم دولتی مانند تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی بپردازد» (United Nations, 2008: 40).

در جریان عملیات حفظ صلح دو نقش اصلی سازمان ملل متحد یعنی نقش توسعه‌دهنده و ترویج‌کننده هنجارها و تبدیل شدن آن به سازمانی که وظیفه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، رویاروی یکدیگر قرار می‌گیرند. با این حال شاید این امر تنها راهی باشد که سازمان ملل متحد بتواند صلح مؤثرتری ایجاد نماید؛ اگرچه به نقض تعهد هنجاری آن برای حفظ ارزش‌ها و اصول مندرج در منشور منجر شود.

۱-۴- امکان تعقیب صلح بانان مرتکب جنایات جنسی و چالش مصونیت مأموران سازمان ملل متحد

رعایت «حقوق بشر» در سطح جهانی ضرورت تعقیب و محاکمه چنین مجرمانی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ چراکه با تدوین منشور سازمان ملل متحد هسته اصلی و اتفاق نظر ملل پیروز در جنگ، بر موضوع حقوق بشر قرار گرفت. به نظر آن‌ها یکی از عوامل آغاز و ادامه جنگ جهانی دوم، بی‌توجهی به موضوع حقوق بشر بوده است» (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۱۶)؛ (Zakerian, 2013: 16).

شورای امنیت سازمان ملل متحد، مسئولیت منحصربه‌فردی در قبال عدالت کیفری بین‌المللی دارد. در دهه ۱۹۹۰، شورا دو دادگاه موقت تأسیس کرد: «دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق» و «دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا». شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۲۲ فوریه ۱۹۹۳ نقض فاحش و همه‌جانبه حقوق بشردوستانه بین‌المللی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی دانست و تصمیم گرفت برای محاکمه جنایتکاران جنگی در یوگسلاوی یک دادگاه بین‌المللی تأسیس شود» (ذاکریان، آقاعلیخانی، ۱۳۹۱: ۲۱۸)؛ (Zakerian, Aghaalikhani, 2011: 218) این اقدامات نوآورانه با تفسیر گسترده از نقش شورا، همان‌طور که در منشور سازمان ملل آمده است امکان‌پذیر شد. شورای امنیت متعاقباً در سال ۲۰۰۷ دادگاه ویژه‌ای را در لبنان تشکیل داد و از دبیر کل درخواست کرد که دادگاه ویژه‌ای در سیرالئون نیز در سال ۲۰۰۲ تأسیس کند.

در سال ۲۰۰۲ «دادگاه کیفری بین‌المللی» تأسیس شد. عملکرد این دادگاه در طول این سال‌ها نشانگر آن است که پیگیری عدالت کیفری بین‌المللی در آن امری چالش‌برانگیز بوده است که برخی از این چالش‌ها در ساختار دادگاه کیفری بین‌المللی ذاتی هستند: دادگاه فقط در قلمرو کشورهای عضو اساسنامه رم صلاحیت دارد، مگر اینکه پرونده‌ها توسط شورای امنیت سازمان ملل به دادگاه ارجاع شوند. و در موردی دیگر، اجرای عدالت در مورد «عمر البشیر» که بدون مجازات به کشورهای که دولت‌های عضو اساسنامه رم هستند سفر کرد، رعایت نشد. «دادگاه کیفری بین‌المللی همچنین با مقاومت کشورهای اصلی عضو مانند ایالات متحده مواجه شده است که نمونه

¹. The Capstone Doctrine

آن تحریم‌های اعمال شده علیه دادگاه، از جمله دادستان ارشد آن، توسط دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در ژوئن ۲۰۲۰ به دلیل تحقیقات دادگاه است» (Venigandla, 2021: 6). دادگاه کیفری بین‌المللی، نقش و مسئولیت شورای امنیت را در تعقیب عدالت بین‌المللی به وضوح تشریح می‌کند. این امر برای اطمینان از این بود که صلاحیت قضایی دادگاه بیشتر شود تا از شکاف معافیت از مجازات جلوگیری شود. باین حال، عملکرد شورا در پیگیری عدالت بین‌المللی و پاسخگویی، ناکافی و ناسازگار بوده و تا به امروز، تنها دو وضعیت دارفور در سال ۲۰۰۵ و لیبی در سال ۲۰۱۱ را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع داده است. ناتوانی شورای امنیت در ارجاع موقعیت‌های کشوری که در آن جنایات جمعی در جریان است را می‌توان به ملاحظات سیاسی نسبت داد. از سوی دیگر باید بیان کرد که «امروزه با تداوم وقوع مخاصمات بین‌المللی، سیستم امنیت جمعی ملل متحد به چالش کشیده شده و کارآمدی این ساختار مورد انکار یا تردید قرار گرفته است» (عاکفی قاضیانی، عاکفی قاضیانی، ۱۳۹۹: ۱۱۵)؛ (Akefi Ghazian, Akefi Ghazian, 2020: 115).

شورای امنیت تمایل بیشتری به دنبال کردن مکانیسم‌های جایگزین داشته است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷، به درخواست و دعوت دولت عراق، «گروه تحقیقاتی سازمان ملل برای ارتقای پاسخگویی در مورد جنایات ارتكابی توسط داعش»^۱ را تأسیس کرد. ایجاد چنین سازکارهای بین‌المللی که ظرفیت‌های ملی جهت تعقیب و محاکمه مرتکبان جنایت‌های بین‌المللی را ایجاد یا تقویت می‌کند، گام‌هایی موقت در پیگیری مسئولیت‌پذیری است. «شکاف معافیت از مجازات، میراث به جای مانده از شورای امنیت و دادگاه کیفری بین‌المللی، بسیاری از گروه‌ها و دولت‌ها را به سمت مجامع دیگر سازمان ملل سوق داده است. به دنبال حمایت هماهنگ گروه‌های جامعه مدنی محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین فشار سیاسی برخی از کشورهای عضو سازمان ملل، مجمع عمومی و شورای حقوق بشر سازکارهایی را برای جمع‌آوری و حفظ شواهد جنایات و تهیه پرونده‌ها برای استفاده در آینده ایجاد کردند» (Christopher, 2020: 1).

۲-۴- فرآیند تعقیب صلح بانان در خصوص جرائم جنسی ارتكابی علیه زنان

«مأموریت‌های بین‌المللی حفظ صلح گاهی به ایجاد یک فرهنگ جنسی غارتگرانه متهم شده‌اند که شامل جرائم بسیاری می‌شوند، از جمله اینکه نیروهای حافظ صلح افراد آسیب‌پذیر را وادار می‌کنند تا در ازای ارائه غذا یا دستمزدی ناچیز، به ارائه خدمات جنسی بپردازند و یا مواردی از تجاوز جنسی با تهدید اسلحه که گزارش شدند» (Nordås, 2013: 20). در سال ۱۹۸۴، «دایانا راسل»^۲ یک الگوی چهار عاملی ارائه کرد که شرایط وقوع تجاوز را ایجاد می‌کند:

^۱. UN Investigative Team to Promote Accountability for Crimes Committed by Da'esh/ISIL (UNITAD)

^۲. Diana E.H. Russell

«الف) عوامل ایجادکننده استعداد یا تمایل به تجاوز؛
ب) عوامل کاهش دهنده بازدارندگی درونی در برابر اعمال این میل؛
ج) عوامل کاهش بازدارندگی های اجتماعی در برابر اعمال این میل و
د) عوامل کاهش توانایی قربانی بالقوه برای مقاومت یا اجتناب از تجاوز.
به نظر می رسد، طبق الگوی ایشان، عملیات حفظ صلح بستری برای ارتکاب خشونت ها و سوء رفتارها مهیا می کند» (Hernandez, 2020: 2).

فارغ از این رویکردها باید دانست که متأسفانه «یکی از جرائمی که بارها گزارش شده است، بهره کشی و سوءاستفاده جنسی توسط نیروهای صلح یابی است که بشدت به حیثیت سازمان ملل آسیب رسانده است؛ سازمانی که خود عهده دار هنجارسازی در زمینه رفع تبعیض از زنان در عرصه جهانی بوده است» (Defeis, 2008: 185-186). این دسته از جرائم در خیلی از کشورهای محل مأموریت از اروپا تا آفریقا روی داده است؛ به عنوان مثال گفته می شود «زمانی که هزاران سرباز خارجی به بوسنی و هرزگوین اعزام شدند، تجارت زنان توسط نیروهای زیر پرچم ملل متحد آغاز شد و همچنین با گذشت حدود یک دهه از آشکار شدن نخستین موارد جرائم جنسی در کشورهایی مانند سیرالئون، گینه، لیبیا، هائیتی، بوسنی و جاهای دیگر، ارتکاب این گونه جرائم در جمهوری دموکراتیک کنگو شکل بسیار مفضوحانه ای پیدا کرد» (رنجبریان، شکیب منش، ۱۳۹۲: ۱۶۸)؛ (Ranjbarian, Shakibmanesh, 2014: 168). با این حال به نظر می رسد که باید در راستای حل این بحران برآمد و برای همین پیشنهاد شده است که صلاحیت کیفری به کشورهای اعزام کننده نیرو جهت تعقیب و مجازات صلح بانان مجرم واگذار گردد و تحت هیچ عنوانی از این جرائم چشم پوشی نگردد. واضح است که اساسنامه تغییراتی را در رابطه با صلاحیت کیفری نسبت به حافظان صلح به دنبال داشته است. در واقع برای دادگاه یک صلاحیت بین المللی جدید در کنار صلاحیت های ملی موجود ایجاد شده است که فراتر از رژیم های پذیرفته شده صلاحیت جهانی است» (Prosecutor, 1995: 877).

۱-۲-۴- صلاحیت تکمیلی دادگاه کیفری بین المللی

در مقدمه اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی آمده است که دادگاه باید مکمل صلاحیت های کیفری ملی باشد. این امر بدین معنی است که مسئولیت اصلی برای تحقیق، تعقیب و محاکمه جنایات بین المللی بر عهده مقامات ملی است. بنابراین «دادگاه کیفری بین المللی تنها به عنوان مکمل دادگاه های ملی عمل می کند و زمانی که دادستان ها یا دادگاه های داخلی در انجام اقدامی کوتاهی کنند، اعمال صلاحیت از سوی آن عملی می شود. اگر مقامات ملی یک دولت به اندازه کافی تحقیق یا تعقیب کنند یا بر اساس دلایل محکمی تصمیم به عدم تعقیب قضایی بگیرند، پرونده در دادگاه کیفری بین المللی غیرقابل پذیرش خواهد بود. اصل صلاحیت تکمیلی به منزله احترام به حاکمیت ملی است» (Prosecutor, 1995: 55).

بحث صلاحیت تکمیلی دادگاه در خصوص محاکمه مجرمین یادشده در تضاد شدید با اساسنامه «دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق» و «دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا» است که بر دادگاه‌های ملی برتری دارند. اساسنامه دو دادگاه مذکور مقرر می‌دارند که «در هر مرحله از دادرسی آن دادگاه‌ها می‌توانند رسماً از دادگاه‌های ملی درخواست کنند تا به صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی جهت تعقیب و مجازات صلح‌بانان تمکین نمایند». ^۱ با این حال، دادگاه‌های موقت وضعیت متفاوتی با دادگاه کیفری بین‌المللی دارند. آن‌ها از رهگذر قطعنامه‌های شورای امنیت و به عنوان ارگان‌های فرعی شورا بر اساس فصل هفتم منشور تأسیس شدند. به این ترتیب، این دادگاه‌ها در چارچوب تصمیم شورا برای دولت‌های عضو سازمان ملل متحد عمل می‌کنند. این موضوع در یکی از مواد اساسنامه‌های مربوطه تأکید شده است که «دولت‌ها باید در تحقیق و تعقیب افرادی که متهم به ارتکاب نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه هستند با دادگاه بین‌المللی همکاری کنند». ^۲

باید توجه داشت که دادگاه کیفری بین‌المللی جایگاه حقوقی خود را از قطعنامه‌های شورای امنیت به دست نیاورده و در نتیجه از رهگذر لحن قاطع مقررات فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تقویت نشده است. «دادگاه بر اساس معاهده‌ای تأسیس شده که برای سایر دولت‌ها جز کشورهایی که آن معاهده را تصویب کرده یا به آن ملحق می‌شوند، الزام‌آور نیست. در این شرایط تدوین‌کنندگان اساسنامه اعطای اولویت به دادگاه دائمی را عاقلانه نمی‌دانستند. در واقع، این احتمال وجود دارد که درج مفهوم اصل صلاحیت تکمیلی در اساسنامه دادگاه در راستای تأمین حمایت دولت‌ها از آن بوده باشد» (Bos, 2014: 33). مهم‌ترین پیامدهای عملی این اصل در مواد ۱۷ و ۱۸ اساسنامه بیان شده است. طبق ماده ۱۷ در موارد زیر رسیدگی به یک پرونده توسط دادگاه امکان‌پذیر نخواهد بود:

الف) پرونده توسط دولتی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد در حال تحقیق یا تعقیب است، مگر اینکه دولت واقعاً مایل یا قادر به انجام تحقیق یا تعقیب نباشد؛

ب) پرونده توسط دولتی که صلاحیت رسیدگی به آن را دارد بررسی شده است و دولت تصمیم گرفته است که شخص مربوطه را تحت تعقیب قرار ندهد، مگر اینکه این تصمیم ناشی از عدم تمایل یا ناتوانی دولت در تعقیب باشد.

ماده ۱۷(۲) معیارهای بیشتری را برای تعیین عدم تمایل در یک مورد خاص جهت تعقیب صلح‌بانان سازمان ملل مشخص می‌کند:

الف) دادرسی انجام شده یا در حال انجام است یا تصمیم ملی به منظور مصونیت شخص مربوطه

^۱. ICTY Statute: Art. 8(2) and ICTR Statute: Art. 8(2)

^۲. ICTY Statute: Art. 29(1) and ICTR Statute: Art. 28(1)

در برابر مسئولیت کیفری در قبال جنایات داخل در صلاحیت دادگاه (مذکور در ماده ۵ اساسنامه) اتخاذ شده است؛

(ب) تأخیر غیرموجهی در دادرسی وجود داشته باشد که در شرایط موجود با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص موردنظر مغایرت دارد؛

(ج) دادرسی مستقل یا بی‌طرفانه انجام نشده یا در حال انجام نیست و به گونه‌ای صورت گرفته یا در حال انجام است که در آن شرایط با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص موردنظر مغایرت داشته باشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود معیارهای ماده ۱۷(۲) حاوی یک عنصر ذهنی یعنی اشاره به «قصد و نیت دولت» هست که بی‌تردید اثبات چنین قصدی برای دادستان دادگاه بسیار دشوار خواهد بود.

بند ۳ ماده ۱۷ معیارهای دیگری برای ناتوانی دولت در یک مورد خاص بیان کرده و اشعار می‌دارد: اگر به دلیل فروپاشی کامل یا قابل ملاحظه نظام قضایی ملی یا در دسترس نبودن چنین نظام قضایی، دولت نتواند متهم یا دلیل و شاهد را به دست آورد یا در غیر این صورت قادر به انجام دادرسی نباشد.

البته باید دانست که در این موارد بار اثبات ناتوانی دولت در تحقیق یا تعقیب قضایی صلح‌بانان بر عهده دادگاه است که در مرحله عملیاتی مشکلات بسیاری را حادث می‌نماید، زیرا نه دادگاه نه دادستان، معمولاً اطلاعات مربوطه لازم را در اختیار ندارند.

ماده ۱۸ اساسنامه جلوه دیگری از اصل صلاحیت تکمیلی بوده و مستلزم آن است که قبل از رسیدگی به پرونده، دادستان به همه دولت‌های عضو و همچنین دولت‌هایی که معمولاً بر جرائم موردنظر اعمال صلاحیت می‌کنند، اطلاع دهد. در تمام موارد دیگر، هر دولتی که صلاحیت قضایی دارد (از جمله دولت‌های غیرعضو) ممکن است به دادگاه اطلاع دهد که در حال تحقیق بوده یا در مورد پرونده تحقیق کرده است. بنا به درخواست آن دولت، دادستان باید تحقیقات را به اتمام تحقیقات محلی موکول نماید؛ مگر اینکه شعبه مقدماتی، بنا به درخواست دادستان، تصمیم به صدور مجوز تحقیق برای وی بگیرد. مفاد این ماده مجدداً بر تقدم تحقیقات و تعقیب‌های ملی، از جمله تحقیق و تعقیب توسط دولت (حتی غیرعضو) که صلاحیت دارند، تأکید می‌کند.

از طرفی دیگر باید توجه داشت که در ماده ۱۹ اساسنامه دادگاه آمده است که قابل پذیرش بودن موضوعی یا صلاحیت دادگاه می‌تواند توسط شخص یا دولت‌های ذیل مورد اعتراض قرار گیرد:

(الف) متهم یا شخصی که بر اساس ماده ۵۸ حکم جلب یا احضاریه برای او صادر شده است؛
(ب) دولتی که صلاحیت رسیدگی به یک پرونده را دارد، به این دلیل که در حال تحقیق یا تعقیب پرونده بوده یا تحقیق یا تعقیب کرده است؛

ج) دولتی که طبق ماده ۱۲ پذیرش صلاحیت دادگاه از سوی آن الزامی است. شق ج این ماده به دولتی اشاره دارد که جرم در قلمرو آن واقع شده یا متهم تابعیت آنجا را دارد. همانند ماده ۱۸، این ماده همچنین امکان اعتراض به قابل قبول بودن یک پرونده را برای دولت‌های غیرعضو باز می‌گذارد.

در مجموع، مواد ۱۷ تا ۱۹ نتیجه «یک مفهوم بسیار دقیق از صلاحیت تکمیلی مندرج در اساسنامه است. همه این مقررات به شدت به سمت تقدم صلاحیت ملی متمایل است» (Van Boven, 2017: 552) و به نظر می‌رسد که با توجه به مقررات موجود و بررسی شده، بهترین راهکار برای محاکمه صلح‌بانان مرتکب جرائم جنسی خشونت‌بار در کشور میزبان، استفاده از ظرفیت‌های سیستم قضایی دولت میزبان و در موارد استثنایی یاری جستن از دادگاه کیفری بین‌المللی باشد؛ هرچند که همان‌گونه که در بند آتی تحلیل خواهد شد به نظر می‌رسد پذیرش صلاحیت دادگاه مذکور در مورد این جرم با چالش‌های جدی مواجه باشد.

۲-۴-۲- مقررات مربوط به «صلاحیت موضوعی» در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی

به نظر می‌رسد که تجاوز به زنان توسط برخی نیروهای حافظ صلح فقط می‌تواند قابلیت طرح در قامت موضوع جنایت علیه بشریت داشته باشد که آن‌هم بسیار دشوار است؛ چراکه تا مدت‌ها تعریفی از مفهوم جنایات علیه بشریت وجود نداشت تا اینکه اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در ماده ۷ خود با برشمردن مصادیق این جرم، این خلأ را پر کرد. جرم علیه بشریت، رفتاری است که متضمن نقض شدید حقوق بشر بوده یا اینکه نهایتاً منتهی به آن می‌شود. این جرم معمولاً به شیوه سازمان‌یافته انجام می‌شود. «ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی جرائم علیه بشریت را به‌عنوان اعمال خاصی تعریف می‌کند که به‌عنوان جزئی از یک حمله سازمانمند یا گسترده نسبت به یک جمعیت غیرنظامی با علم به آن حمله ارتکاب یافته باشد. بنابراین، ایجاد مسئولیت کیفری در قبال ارتکاب یک جرم علیه بشریت، نیاز به اثبات ارتکاب قتل عمد، نابودسازی، به بردگی گرفتن، اخراج یا کوچ اجباری، تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحش‌های اجباری دارد. این اعمال باید به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمانمند، بر ضد هر جمعیت غیرنظامی، به‌وسیله یک مرتکب با علم به وجود آن حمله و متعاقب یک سیاست دولتی یا اغماض دولت ارتکاب یافته باشند» (بیات، ۱۳۹۷: ۷۲)؛ (Bayat, 2019: 72). از سویی دیگر به نظر می‌رسد، جنایات علیه بشریت، جنایات توده‌واری هستند که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می‌یابند و می‌توان جدی‌ترین شکل این جنایات را کشتار گروه‌های مردمی دانست که با ژنوسید قرابت زیادی پیدا می‌کند. اما جنایات علیه بشریت، مفهومی وسیع‌تر از ژنوسید دارد. در جنایات علیه بشریت، لازم نیست که یک گروه خاص مورد هدف قرار گیرد بلکه به‌طور کلی، یک جمعیت غیرنظامی شامل گروه‌های سیاسی و غیره ممکن

¹. Ratione Materiae

است موضوع این جنایات واقع شود. «همچنین برخلاف جنایت ژنوسید، در جنایات علیه بشریت، قصد مرتکب به نابودی کل یا بخشی از گروه مورد نظر شرط نیست. تاریخ از جلوه‌های تأسف بار دیگر جنایات علیه بشریت، پرده برداشته که از آن جمله برده‌سازی از طریق کار اجباری، اخراج مردم از مناطق آبا و اجدادی‌شان، زندان خودسرانه یا شکنجه مخالفان سیاسی، تجاوز جنسی گسترده به زنان بی‌دفاع، ناپدیدشدگی اجباری و آزار و اذیت با وضع قوانین و تدابیر تبعیض آمیز قابل ذکر است» (گرهارد، ۱۳۹۷: ۵۹)؛ (Gerhard, 2009: 59).

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی همچنین تصریح می‌کند که «تهاجم گسترده یا سازمان یافته بر علیه هر جمعیت غیرنظامی» به معنای «رفتاری است مشتمل بر ارتکاب مکرر اعمال مذکور بر ضد هر جمعیت غیرنظامی که در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای انجام چنین تهاجمی صورت گرفته باشد». به این ترتیب، جنایات «منفرد» علیه بشریت از صلاحیت دادگاه خارج می‌شوند که محدودیت مهمی را تشکیل می‌دهد. این محدودیت هسته اصلی مفهوم جنایت علیه بشریت است. تصور اینکه نیروی حافظ صلح در لوای یک سیاست خاص، موظف به ارتکاب حمله علیه یک جمعیت غیرنظامی باشد، دشوار است. برعکس، نیروهای حافظ صلح به شدت به همکاری مردم غیرنظامی در اجرای مأموریت‌های خود نیازمند هستند. در جایی که این همکاری وجود ندارد، برای مثال در سومالی، عملکرد مؤثر نیروهای حافظ صلح بسیار پرچالش بوده است» (Zwanenburg, 2009: 134).

نتیجه‌گیری

چالش‌های اساسی برای تعقیب و محاکمه صلح بانان سازمان ملل متحد که در اثنای عملیات حفظ صلح مرتکب جرم خشونت جنسی علیه زنان شده‌اند وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها در خصوص اعمال صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی در این زمینه است. از میان جرائم داخل در صلاحیت دادگاه (نسل زدایی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت علیه صلح)، جرم خشونت جنسی علیه زنان در ذیل جنایت علیه بشریت قرار گرفته است.

ماده ۷ اساسنامه رم اگرچه این جنایت را تعریف ننموده اما ویژگی‌های چندی از آن را بیان کرده که قابل تأمل است: هنگامی که این جنایات در قالب یک حمله علیه جمعیت غیرنظامی و به صورت سازمان یافته یا گسترده صورت گیرد. همین دو ویژگی محدودیت‌های قابل ملاحظه‌ای را ایجاد کرده و امکان اعمال صلاحیت دادگاه را در این موارد با موانعی اساسی روبرو ساخته است.

با همه این احوال، تحقق جنایت علیه بشریت در خصوص ارتکاب عمل واحدی از سوی فرد منتفی نیست اما زمانی این امر امکان‌پذیر است که اقدام وی بخشی از یک حمله گسترده یا

۱. شق الف بند ۲ ماده ۷

سازمان یافته بوده و مرتکب از وجود چنین حمله‌ای مطلع باشد. به عبارت دیگر، حداقل تا حدودی طراحی یا سیاست‌گذاری برای انجام چنین جنایاتی از سوی یک دولت یا سازمانی بین‌المللی صورت گرفته باشد. لذا انجام اقدام مجرمانه به صورت منفرد و مجزا نمی‌تواند جنایت علیه بشریت تلقی گردد، حتی اگر دقیقاً با یکی از مصادیق ذیل ماده ۷ اساسنامه رم قابل انطباق باشد.

اگرچه تصویب اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی از بسیاری جهات یک گام روبه جلو است، اما توانسته خلأهای موجود در خصوص صلاحیت کیفری نسب به جرائم جنسی صلح‌بانان علیه زنان را مرتفع نماید. لذا در این زمینه با یک چالش مستمر برای جامعه بین‌المللی مواجه هستیم که نگران تضمین عدالت برای همه قربانیان نقض حقوق بشر و قوانین بشردوستانه است. بنابراین به نظر می‌رسد جهت پیشگیری یا کاهش موارد تجاوز به زنان در معرض خطر توسط نیروهای سازمان ملل بهتر هست از نیروهای صلح‌بان زن نیز در کنار صلح‌بانان مرد در مقیاس وسیع‌تری استفاده گردد تا زنان امنیت بیشتری را در حین عملیات حفظ صلح در مناطق جنگی و ناآرام احساس نمایند.

منابع فارسی

- ابراهیم گل، علیرضا. (۱۳۸۷). «تحولات حفظ صلح در سازمان ملل متحد: حفظ صلح، ایجاد صلح، تحکیم صلح»، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۱(۴۷)، ۲۲۵-۲۵۷.
- احمدی، عباس. (۱۳۸۶). «نقش عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد در ترویج و حمایت از حقوق بشر»، دو فصلنامه حقوق و سیاست، ۱(۲)، ویژه حقوقی، ۳۰۷-۳۵۶.
- بیات، هما. (۱۳۹۷). «مفهوم جرائم علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، ماهنامه پژوهش ملل، ۷(۳۰)، ۶۱-۷۳.
- ییگی، جمال. آشنا، حمید. (۱۳۹۸). «جرم انگاری خشونت جنسی در روابط زناشویی با تکیه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۲)، ۱۱۵-۱۴۲. DOI: 10.22034/isj.2019.101080
- جکسون، رابرت. سورنسون، گنورک. (۱۴۰۱). *درآمدی بر روابط بین‌الملل (دفتر دوم): نظریه‌ها و رهیافت‌ها*، ترجمه احمد تقی‌زاده، حسن سعید کلاهی خیابان، مهدی ذاکریان، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.
- حسینی، امیرحسین. (۱۳۹۰). «مفهوم مأموریت‌های صلح‌بانی سازمان ملل متحد و سیر تحول آن»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵(۴)، ۱۰۵۲-۱۰۲۳.
- ذاکریان، مهدی. آقاعلیخانی، مهدی. (۱۳۹۱). «بررسی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، فعالیت‌ها و دستاوردها»، نشریه سیاست خارجی، ۲۶(۱)، ۲۴۲-۲۱۳.
- ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۲). *همه حقوق بشر برای همه*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.

- رنجیریان، امیرحسین. شکیب منش، هدی. (۱۳۹۲). «جستاری در باب اعمال صلاحیت کیفری بر جرائم نیروهای پاسدار صلح»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۴)، ۱۹۸-۱۶۷.
- رستمی، سارا. فیروزگاه، زری. (۱۳۹۹). «زنان و صلح جهانی با تأکید بر صلح بانان زن سازمان ملل متحد و جامعه زنان ایرانی»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۳(۱)، ۲۴۲-۲۰۹. DOI: 10.30510/psi.2020.113613
- ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ هفتاد و پنجم.
- عاکفی قاضیانی. محمد، عاکفی قاضیانی، موسی. (۱۳۹۹). «عملکرد نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد؛ توسل به زور با تجویز شورای امنیت»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۷(۱)، ۱۳۹-۱۱۵. DOI: 10.22034/isj.2020.113770
- گرهارد، ورله. (۱۳۸۷). «جنايات عليه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»، مجله‌ی حقوقی، ترجمه امیر ساعد و کیل، ۹(۳۹)، ۱۰۰-۵۹.

English References

- Bos. A. (2014). Paper Presented at the Symposium on The International Criminal Court: A Critical Review of the Rome Conference, *Erasmus University Rotterdam*, November 5.
- Boven. V. (2017). Some Remarks on the Operation of the International Criminal Court and Procedural Aspects', Symposium on The International Criminal Court: A Critical Review of the Results of the Rome Conference, *Erasmus University Rotterdam*, November 5.
- Chesterman. S. (2007). Ownership in Theory and in Practice: Transfer of Authority in UN State Building Operations, *Journal of Intervention and Statebuilding*, 1(1), 3-26, DOI: 10.1080/17502970601075873
- Christopher. Schuetze. (2020). German Trial Accuses Iraqi of Genocide in Killing of Yazidi Girl, *New York Times*, April 25.
- Cockyane. J., Malone. D. M. (2005). The Ralph Bunche Centennial: Peace Operations Then and Now, *Global Governance*, 11(3), 331-350.
- Fasulo, L. (2009). "Peace Operations" In *An Insider's Guide to the UN*, 2nd ed, Yale University Press.
- Hernandez. B. N. (2020). Sexual Abuse in UN Peacekeeping: The Problem of Viewing Women as a "Quick Fix", at: <https://www.e-ir.info/2020/02/20/sexual-abuse-in-un-peacekeeping-the-problem-of-viewingwomen-as-a-quick-fix>
- Kocen. P. (2020). Responsibility of the United Nations for Peacekeeping Operations: Recent Developments in Dual Attribution, *International Scientific Journal on European*

Perspectives , 11(1).

Nordås. R., Rustad. Siri C. A. (2013). Sexual Exploitation and Abuse by Peacekeepers: Understanding Variation, *International Interactions*, 39(4), 511-534, DOI: 10.1080/03050629.2013.805128

Prosecutor v. Tadic', (1995). Decision on the Defence Motion on Jurisdiction, Case No. IT-94-I-AR72, A. Ch., October 2.

Simic, O. (2010). Does the Presence of Women Really Matter? Towards Combating Male Sexual Violence in Peacekeeping Operations, *International Peacekeeping*, 17(2), 188-199, DOI: 10.1080/13533311003625084.

United Nations (2008). *United Nations Peacekeeping Operations: Principles and Guidelines (Capstone Doctrine)*, New York: United Nations, Department of Peacekeeping Operations, Department of Policy, Evaluation and Training.

Venigandla. S. H. (2021). Protection, Justice, and Accountability: Cooperation between the International Criminal Court and UN Peacekeeping Operations, *777 United Nations Plaza*, New York.

Zwanenburg. M. (1999). The Statute for an International Criminal Court and the United States: Peacekeepers under Fire?, *European Journal of International Law*, 10(1), 124-143, DOI: 10.1093/ejil/10.1.124

Translated References to English

Ahmadi. A. (2008). The Role of UN Peacekeeping Operations in Promoting and Protecting Human Rights, *Laws and Politics*, 1(2), 307-356. **(In Persian)**

Akefi Ghaziani. M., Akefi Ghaziani. M. (2020). Function of the Collective Security System of the United Nations; Resorting to Force Prescribed by the Security Council, *International Studies Journal (ISJ)*, 17(1), 115-139. **(In Persian)** DOI: 10.22034/isj.2020.113770

Bayat. H. (2019). The Concept of Crimes against Humanity in the Statute of the International Criminal Court, *Quarterly Journal of Nations Research*, 7(30), 61-73. **(In Persian)**

Beigi. J., Ashena. H. (2019). Criminalisation Gender-Based Violence in Marital Relations by Relying on the International Human Rights Documents, *International Studies Journal (ISJ)*, 16(2), 115-142. **(In Persian)** DOI: 10.22034/isj.2019.101080

Bos. A. (2014), Paper Presented at the Symposium on The International Criminal Court: A Critical Review of the Rome Conference, Erasmus University Rotterdam, November 5.

- Boven. V. (2017). 'Some Remarks on the Operation of the International Criminal Court and Procedural Aspects', Symposium on The International Criminal Court: A Critical Review of the Results of the Rome Conference, Erasmus University Rotterdam, November 5.
- Chesterman. S. (2007). Ownership in Theory and in Practice: Transfer of Authority in UN State Building Operations, *Journal of Intervention and Statebuilding*, 1(1), 3-26, DOI: 10.1080/17502970601075873
- Christopher. Schuetze. (2020). German Trial Accuses Iraqi of Genocide in Killing of Yazidi Girl, New York Times, April 25.
- Cockyane. J., Malone. D. M. (2005). The Ralph Bunche Centennial: Peace Operations Then and Now, *Global Governance*, 11(3), 331-350.
- Fasulo, L. (2009). "Peace Operations" In *An Insider's Guide to the UN*, 2nd ed, Yale University Press.
- Hernandez. B. N. (2020). Sexual Abuse in UN Peacekeeping: The Problem of Viewing Women as a "Quick Fix", at: <https://www.e-ir.info/2020/02/20/sexual-abuse-in-un-peacekeeping-the-problem-of-viewingwomen-as-a-quick-fix>
- Hosseini, A. H. (2012). The Concept of the United Nations Peace Missions and its Evolution, *Foreign Policy Quarterly*, 25(4), 1023-1052 **(In Persian)**.
- Ibrahim Gol. A. (2009). Developments of Peacekeeping in the United Nations: Peacekeeping, Peacemaking, Peacebuilding, *Journal of Legal Research*, 11(47), 225-257 **(In Persian)**.
- Jackson, R., Sorenson. G. (2022). *An Introduction to International Relations: Theories and Approaches*, Translated by Ahmad Taghizadeh, Hassan Saeed Kalahikhaiban, Mehdi Zakarian, Mizan Legal Foundation **(In Persian)**.
- Kocen. P. (2020). Responsibility of the United Nations for Peacekeeping Operations: Recent Developments in Dual Attribution, *International Scientific Journal on European Perspectives*, 11(1).
- Nordås. R., Rustad. Siri C. A. (2013). Sexual Exploitation and Abuse by Peacekeepers: Understanding Variation, *International Interactions*, 39(4), 511-534, DOI: 10.1080/03050629.2013.805128
- Prosecutor v. Tadic', (1995). Decision on the Defence Motion on Jurisdiction, Case No. IT-94-I-AR72, A. Ch., October 2.
- Ranjbarian, A., Shakib Manesh. H. (2014). An Analysis of Criminal Jurisdiction over

Peacekeeping Personnel, *Quarterly Journal of Public Law Research*, 15(40), 167-198. **(In Persian)**.

Rostami, S. Firouzkah, Z. (2020). Women and World Peace with an emphasis on the Women Peacekeepers of the United Nations and the Iranian Women's Society, *Iranian Political Sociology Research*, 3(1), 209-242 **(In Persian)**. DOI: 10.30510/psi.2020.113613

Simić, O. (2010). Does the Presence of Women Really Matter? Towards Combating Male Sexual Violence in Peacekeeping Operations, *International Peacekeeping*, 17(2), 188-199, DOI: 10.1080/13533311003625084.

United Nations (2008). *United Nations Peacekeeping Operations: Principles and Guidelines (Capstone Doctrine)*, New York: United Nations, Department of Peacekeeping Operations, Department of Policy, Evaluation and Training.

Venigandla. S. H. (2021). Protection, Justice, and Accountability: Cooperation between the International Criminal Court and UN Peacekeeping Operations, *777 United Nations Plaza*, New York.

Zakarian. M. (2012). *All Human Rights for All*, Tehran: Mizan Legal Foundation, First Edition **(In Persian)**.

Zakarian. M., Aghaalikhani. M. (2011). Examination of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, Activities and Achievements, *Foreign Policy Journal*, 26(1), 213-242 **(In Persian)**.

Verle. G. (2009). Crimes against Humanity in Contemporary International Law, *Legal Magazine*, Translated by Amir Saed Vakil, 10(39), 59-100 **(In Persian)**.

Ziayaeibigdeli. M. R. (2021). *Public International Law*, Ganjdanesh Publication, 75th Edition **(In Persian)**.

Zwanenburg. M. (1999). The Statute for an International Criminal Court and the United States: Peacekeepers under Fire?, *European Journal of International Law*, 10(1), 124-143, DOI: 10.1093/ejil/10.1.124